

آموزش زبان فارسی در کشور بلاروس

جلال رحیمیان^۱

چکیده

از کارهای شایسته «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» ایجاد و اداره کرسی‌های آموزش فارسی و ایران‌شناسی در بسیاری از کشورها و اعزام مدرّس برای گسترش زبان و ادب فارسی در این کشورهاست. در این راستا ارزیابی پیوسته کرسی‌ها با هدف رفع کاستی‌ها و تقویت نقاط قوت، امری کاملاً ضروری است. وزارت علوم در این ارزیابی‌ها، از مشکلات هر کرسی مطلع و با پیشنهادهای سازنده مدرّس، برای رفع این کاستی‌ها و مشکلات اقدام خواهد کرد. در این راستا ایجاد هماهنگی میان وزارتخانه‌های مرتبط با آموزش فارسی نیز لازم است. نگارنده به عنوان مدرّس اعزامی به کشور بلاروس، در این تحقیق، به تحلیل و بررسی زمینه‌های آموزش زبان فارسی در این کشور پرداخته و با بیان نقاط قوت و ضعف، پیشنهادهایی برای رفع مشکلات و کمبودها ارائه کرده است. بنابر بررسی‌های انجام گرفته، لازم است که درس زبان فارسی در بلاروس، از یک تک‌درس غیررسمی، به یک درس (دست‌کم) اختیاری در یکی از دوره‌های کارشناسی/کارشناسی ارشد تبدیل شود تا بسیاری از مشکلاتی که در متن تحقیق به آنها اشاره شده، برطرف گردد. از دیگر اقداماتی که باید انجام گیرد، ایجاد هماهنگی لازم میان وزارتخانه‌هایی است که با کرسی آموزش زبان فارسی مرتبط‌اند. همچنین لازم است برای ایجاد انگیزه در زبان‌آموزان خارجی، چشم‌اندازهایی روشن برای آنها ترسیم کرد.

کلیدواژه‌ها: آموزش فارسی، کرسی‌های فارسی، ایران‌شناسی، گسترش زبان و ادب فارسی.

۱. دکترای زبان‌شناسی و استاد دانشگاه شیراز. jrahimian@rose.shirazu.ac.ir

■ تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳

■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۷

مقدمه

در دنیایی که با گسترش فزاینده و حیرت‌انگیز ابزارهای اطلاع‌رسانی، خبرها (واقعی یا غیرواقعی) در مدت فقط چند ثانیه، در سراسر جهان پخش می‌شود، ارزش آموزش زبان، نه تنها کم نشده، بلکه اهمیتی روزافزون یافته است. در حقیقت، زبان اصلی‌ترین ابزار انتقال انواع پیام‌ها در هر حوزه از قلمروهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... است. آموزش هر زبان نیز به‌ناچار با انتقال فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی آن زبان همراه خواهد بود. حال اگر این زبان و فرهنگ، زبان ریشه‌داری چون فارسی و فرهنگی غنی چون فرهنگ ایرانی باشد، اهمیت آموزش آن دوچندان خواهد بود.

هرچند ایران با فرهنگ و تمدنی چندهزار ساله، سابقه‌ای بس درخشان در شکل‌دهی تمدن جهانی داشته و جهان امروز از بسیاری جهات مدیون این گذشته تاریخی پرشکوه است، هنوز بیشتر مردم دنیا بویژه نسل جوان، با گذشته و حال تمدن ایرانی آشنایی چندانی ندارند؛ به‌گونه‌ای که اغلب در اولین نگاه و ملاقات، این تصور نادرست را دارند که ایرانی‌ها بخشی از جهان عربند! بسیاری از آنها نمی‌دانند که نیاکان ما تمدن و آیین کشورداری و مدیریت اجتماعی را نه تنها به اعراب که به بسیاری از ملل دیگر آموخته‌اند. بسیاری از آنها نمی‌دانند که تا یکی دو قرن پیش، زبان غالب در شبه‌قاره، زبان شیرین فارسی بوده است و استعمار بی‌رحم انگلیس بخش عظیمی از هند و پاکستان امروزی را از فارسی جدا و بیگانه ساخت. با این توصیف، به نظر می‌رسد یکی از بهترین ابزارهای آشنا ساختن مردم جهان با این تمدن و فرهنگ، وارد کردن آنها به دروازه تمدن و زبان فارسی است. از سوی دیگر، پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به پیام فرهنگی - معنوی و ماهیت استکبارستیز آن، مخاطبان فراوانی در سراسر جهان یافت که نگاه همه را به فراگیری زبان فارسی برای درک هرچه واقعی‌تر پیام انقلاب اسلامی معطوف داشت. بنابراین، رسالت متولیان آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بسیار مهم‌تر از گذشته شد.

هیچ فرهنگ، تمدن و جهان‌بینی‌ای را نمی‌توان بدون استفاده از ابزار زبان، به دیگر جوامع منتقل کرد. مصادیق برجسته این گونه نفوذها را (چه مطلوب و چه نامطلوب) می‌توان در قالب

زبان‌های اسپانیولی و فرانسه و پس از آن تا به امروز در زبان انگلیسی دید؛ به گونه‌ای که امروزه در بسیاری از کشورهای غیرغربی، مردم بسیاری، بویژه نسل جوان می‌خواهند چنین وانمود کنند که با فرهنگ و زبان انگلیسی آشنا هستند و به آن می‌بالند. پس مهم‌ترین ابزار نفوذ فرهنگ غربی در دیگر نقاط جهان، بی‌شک «زبان» بوده و هست.

امروز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در ده‌ها کشور جهان همچنان ادامه دارد و سابقه برخی از کرسی‌ها به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. هدف اساسی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، در درجه نخست آشنا ساختن نسل جوان و جویای حقیقت دیگر سرزمین‌ها با فرهنگ و تمدنی است که سرشار از ارزش‌های معنوی و گوهرهایی است که می‌تواند بشر را به صلح، دوستی، گسستن از خرافه‌گرایی و پرهیز از خشونت دعوت کند. این عادت‌های بد، جهان امروز را به انحطاط اخلاقی و نابودی سوق می‌دهد. چه ایران و چه جهان غرب به سرکردگی آمریکا در پی افزایش مخاطبان خود، با نفوذ زبانی هستند. اما اهداف ایران اسلامی و اهداف غربِ سلطه‌گر از نفوذ، متضاد است؛ بدین معنا که ایران در پی نفوذ زبانی خود با هدف اشاعه برابری، صلح و ارتقای اخلاق در جهان است؛ در حالی که غرب با تحقیر ملل زیر نفوذ، به دنبال تسلط ظالمانه و به انحطاط کشاندن اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

دستیابی جمهوری اسلامی به اهداف ارزشمند گفته‌شده، رسالت بزرگی است که با جدیت و مرکزیت دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و یاری دیگر سازمان‌های مرتبط، همواره در حال پی‌گیری بوده است. متولیان امور علمی، فرهنگی و اجتماعی کشور، رسالتی بس خطیر در معرفی انقلاب اسلامی و پیام‌های آن به جهانیان بر عهده دارند که باید به طور جدی و پیوسته بدان همت گمارند. فعالیت مراکز آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا در کشورهای دور و نزدیک، با تلاش بی‌وقفه مدرسان اعزامی، موفقیت بزرگی برای زبان و ادبیات فارسی و در نهایت، جمهوری اسلامی ایران است که ارزیابی و نقد منصفانه آن، به گسترش و حضور هرچه پررنگ‌تر این زبان شیرین در جهان خواهد انجامید. البته مدتی است که با تأسیس «بنیاد سعدی» قرار بر این است که این امور از سوی این بنیاد یکپارچه شود که آروزی توفیق برای دست‌اندرکاران این بنیاد داریم.

هدف تحقیق

نگارنده در این پژوهش، به عنوان یکی از مدرسان اعزامی وزرات علوم، تحقیقات و فناوری، به ارزیابی و نقد کرسی زبان فارسی در کشور بلاروس خواهد پرداخت تا از این رهگذر، نقاط قوت و ضعف این کرسی را تبیین نموده و پیشنهادهایی برای ارتقای آن تقدیم کند.

نگارنده، ابتدا مروری کوتاه بر معروفترین منابع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان خواهد داشت. سپس به مهم‌ترین نکاتی که باید در تدریس زبان فارسی به خارجی‌ها رعایت شود، می‌پردازد. در بخش بعدی، به مشکلات موجود در تدریس فارسی به دانشجویان بلاروسی پرداخته است و در پایان راهکارهایی عملی برای حل معضلات و مشکلات موجود در راه آموزش زبان فارسی در کشور بلاروس ارائه خواهد شد. این مشکلات دو دسته‌اند: مشکلات زمینه‌ای و مشکلات فراگیری. در این مقاله به مشکلات زمینه‌ای پرداخته شده و شرح و تحلیل مشکلات تخصصی‌تر در باب فراگیری که اصولاً ناظر به مشکلات خود زبان‌آموزان است، در تحقیق دیگری تقدیم خواهد شد.

نگاهی به برخی از منابع آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان

امروزه با توجه به دسترسی بسیار آسان به اینترنت و گسترش جهانی شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به برخی از مطالب آموزشی فارسی آسان گردیده است. پایگاه اینترنتی آموزش زبان فارسی، وابسته به «دفتر گسترش زبان و ادب فارسی» که به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعلق دارد، پایگاهی رایگان، در دسترس و به نسبت غنی است که کتب مختلف آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را معرفی و نسخه کامل برخی از آن‌ها را در این وبسایت قرار داده است. تشکیل «بنیاد سعدی» نیز گام بلندی در تسهیل آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان است.

پایگاه آموزشی رایگان دیگر در این زمینه، به آدرس esaypersian.com بویژه برای مبتدیان بسیار مفید است. بعضی از پایگاه‌های غیردولتی نیز هستند که مطالب آموزشی را با دریافت وجه، در اختیار زبان‌آموزان قرار می‌دهند. برای نمونه: پایگاه fluentpersian.com هشتاد درس ۲۵ قسمتی را با تکیه صرف بر فارسی گفتاری فراهم ساخته است.

رحیمیان (۱۳۸۶) فعالیت‌های پژوهشی در قلمرو آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان را به

سه دسته تقسیم می‌کند:

۱. کتب آموزشی

ضیاء حسینی (۱۳۸۱ و ۱۳۸۵) دو اثر مفید هستند که در آنها، جزئیات روش تدریس و نکاتی که در تدریس زبان فارسی به خارجی‌ها باید رعایت شود، ارائه شده است. شوشتری‌زاده (۱۳۸۳) پایه‌ای‌ترین و ساده‌ترین اصول آوایی، واژگانی و ساختاری فارسی را که پیش‌نیاز نگارش است، با زبانی ساده بیان می‌کند. این کتاب برای گام نخست آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان نسبتاً مفید است.

صفارمقدم (۱۳۷۷، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹) در سه اثر خود، که عبارتند از: کتاب تک‌جلدی با عنوان «فارسی عمومی ۱: ساختارهای پایه» و یک اثر چهارجلدی با عنوان «زبان فارسی» و همچنین کتابی با عنوان «دوره عمومی زبان فارسی»، کوشیده است تا مهارت‌های خواندن و درک مطلب، نوشتن، شنیدن و گفتار را آموزش دهد. درباره کتاب «فارسی عمومی ۱» باید گفت که برخلاف عنوان کتاب، بسیاری از ساختارهای به‌کار رفته «پایه» نیستند و درک آنها برای مبتدیان، بیش از حد دشوار است. بسیاری از تمرینات هر درس، قواعد پیچیده نحوی بسیاری دارد؛ به گونه‌ای که زبان‌آموز را در پاسخ به تمرینات مستأصل و سردرگم می‌کند. در ضمن استفاده از خط نستعلیق حتی برای تفنن نیز در چنین سطحی برای زبان‌آموز مبتدی سودی ندارد.

صفار مقدم در اثر چهارجلدی خود سعی در آشنا کردن همزمان زبان‌آموز با زبان نوشتاری و گفتاری دارد که انجام همزمان این مهم، کاری بس دشوار است؛ زیرا برخلاف بسیاری از زبان‌ها، تفاوت فارسی گفتاری و نوشتاری بسیار است و لازم است هرکدام را جداگانه به غیرفارسی‌زبان‌ها آموخت. در این چهار جلد نیز ناهماهنگی میان متن درس و برخی از تمرینات دیده می‌شود؛ بویژه در دو جلد نخست، تعدد و تنوع تمرینات، بیش از حد معمول است و انجام برخی از آنها گاه از توان یک زبان‌آموز خارجی مبتدی و متوسط فراتر می‌رود. همچنین در تمرینات، گاهی واژه‌هایی به‌کار رفته است که در متن ابتدای آن درس نیامده و این باعث از دست رفتن اعتماد به نفس زبان‌آموز می‌شود. همچنین چنان بر تفاوت‌های گفتاری و نوشتاری برخی از واژه‌ها تأکید شده است که فراگیری فارسی برای زبان‌آموز خارجی را به معمای دشوار و طاقت‌فرسا تبدیل می‌کند. بخشی که در انتهای هر درس با عنوان «الگوهای گفتاری» ارائه شده، از شکل‌های گفتاری معمول زبان فارسی بسیار فاصله دارد.

اثر سوم صفار مقدم، با عنوان «دوره عمومی زبان فارسی» که از انتشارات کانون زبان ایران است، از شیوه‌های نوین علمی برای ارائه مطالب استفاده کرده است و محتوای دروس نه تنها خسته کننده نیست، بلکه مورد استقبال خارجی‌ها نیز هست.

پلاکوو (۲۰۰۲) خودآموز زبان فارسی برای روس‌زبان‌هایی تهیه کرده که خواهان فراگیری فارسی هستند. این کتاب به دلیل توجه به جنبه‌های مختلف فارسی به شکلی ساده، مورد استقبال فراوان روس‌زبان‌هاست.

دباغی مرند (۱۳۸۰) در کتاب خود ضمن تشریح روش تدریس صحیح در مهارت‌های چهارگانه به غیرفارسی‌زبان‌ها، به بیان ویژگی‌های یک آزمون خوب برای آنها پرداخته است. این کتاب یک پژوهش مفید در این زمینه است.

پازارگادی و تربتی (۱۳۸۰) گزیده‌ای از اصطلاحات پرکاربرد فارسی را همراه با ترجمه و توضیح انگلیسی آن فراهم کرده‌اند. برخی از این اصطلاحات در حد درک زبان‌آموزان پیشرفته خارجی است.

کتاب پانزده درسی «انگل اربتسوف» (۲۰۰۸) مخصوص زبان‌آموزان فارسی در کشور بلغارستان است. تکیه این اثر، بر مهارت‌های دستوری، خواندن و درک مطلب، محاوره و واژگان است. امیری خراسانی و علی‌نژاد (۱۳۸۲)، اثری آموزشی برای زبان‌آموزان اوکراینی تهیه کرده‌اند که برای نوآموزان مفید و کارگشاست؛ زیرا نکات بسیار پایه‌ای و ساده آوایی و ساختاری را در ۳۱ درس توضیح داده‌اند.

ضرغامیان (۱۳۸۴) اثر سه جلدی خود را برای سه سطح مبتدی، میانه و نیمه‌پیشرفته تدوین کرده است.^۱ از مزایای این اثر، پرهیز از به کارگیری زبان واسطه در کتاب است. به هر حال یکی از ایرادات، مشخص نبودن نوع و سطح آموزش نکات دستوری در جلد‌های مختلف است. تصاویر و جلوه‌های بصری کتاب نیز جذابیت چندانی ندارد.

ثمره (۱۳۸۴) کتابی را در پنج جلد، از سطح مقدماتی تا پیشرفته همراه با بیست نوار صوتی پدید آورده است. از مزایای این اثر، وجود یک کتاب راهنما برای مدرّس است. جنبه بصری و گرافیک هر کتاب آموزشی، اهمیت خاصی در جذب زبان‌آموز دارد که این اثر نیز مانند بسیاری

دیگر از آثار آموزشی فارسی، از این نظر جذاب نیست.

یکی دیگر از منابع ویژه زبان‌آموزان روسی که با تکیه بر فارسی گفتاری نگاشته شده، توسط صابری (۱۳۸۵) تهیه شده است. سعی نویسنده، بیشتر آشنا ساختن زبان‌آموزان با فارسی گفتاری است و تکیه وی بیشتر بر عبارات و جمله‌های کوتاه با معادل‌های روسی آنهاست. بازارگادی (۱۳۸۵) یک دوره پنج‌جلدی بسیار مختصر اما مفید با عنوان «فارسی آسان» فراهم کرده است که با توجه به تصاویر رنگی و عبارات بسیار ساده برای زبان‌آموزان مبتدی، منبع آموزشی بسیار ارزشمندی است.

گله‌داری (۱۳۸۷) برای تقویت مهارت درک مطلب غیرفارسی‌زبان‌ها کتابی آموزشی همراه با یک دیسک فشرده پدید آورده است که با توجه به تمرینات کاربردی فراوان آن، کتاب بسیار مفیدی است. تنها نقطه ابهام در این کتاب این است که ایشان زبان گفتار و نوشتار را همزمان استفاده کرده‌اند که شاید سردرگمی زبان‌آموزان خارجی را در پی داشته باشد. گله‌داری (۱۳۸۸) همچنین اثر دیگری را با هدف آموزش نگارش ویژه زبان‌آموزان پیشرفته تألیف کرده است. وی در بخش نخست کتاب، به شرح انواع راهبردها و راهکارهای نگارش، مانند خلاصه‌نویسی، گزارش‌نویسی و نامه‌نگاری پرداخته است. بخش دوم کتاب به توصیف نکات دستوری لازم که در نگارش نقش اساسی دارند، اختصاص دارد.

۲. پایان‌نامه‌ها

در این زمینه پایان‌نامه‌های بسیار ارزشمندی نیز نوشته شده است؛ از جمله ادیسی (۱۳۷۷)، جباری (۱۳۷۷) و عظمی‌فر (۱۳۸۲) و چند پایان‌نامه دیگر که برخی به جنبه‌های نظری و برخی دیگر به ابعاد کاربردی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان‌ها پرداخته‌اند. شایسته است مدرّسان جوان اعزامی، پیش از اعزام به خارج برای تدریس فارسی، حتماً این منابع را ببینند.

۳. مقالات و گزارش‌ها

دسته سوم از آثار مرتبط با آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبان‌ها مقالات و گزارش‌های کاربردی مدرّسان اعزامی است که اشاره به چند مورد از آنها مفید است:

احمدی خراسانی (۱۳۸۴) به بررسی مشکلات آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان پرداخته و به ۲۲ مورد از مواردی که مدرس را در تدریس کمک می کند، اشاره کرده است. فهیم (۱۳۸۰) به بررسی شیوه های جدید آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان پرداخته است. وی پس از برشمردن سه عامل یادگیرنده، یاددهنده، و مطالب آموزشی، از شیوه تدریس به عنوان چهارمین عامل تأثیرگذار در آموزش موفق یاد می کند. محرم (۱۳۸۰) در زمینه عوامل انگیزشی و تأثیر آنها در آموزش زبان به غیرفارسی زبانان نکات ارزشمندی را ارائه کرده است. وی انگیزه را عاملی مؤثر در شیوه تدریس مواد، روش تدریس و روش ارزشیابی می داند؛ هرچند معتقد است که انگیزه، بسته به دیدگاه فرد، تعاریف متفاوتی دارد. اغلب منابعی که در بالا نام برده شد، برای مدرسانی مفید است که در کشورهایی که زبان آموزان آنها مبتدی هستند و با زبان فارسی آشنایی چندانی ندارند، تدریس می کنند. معمولاً در هر کشور، کتاب هایی آموزش نیز تهیه شده که با پیشینه زبان بومی آن کشور همخوانی بیشتری دارد و به برخی از آنها در بالا اشاره شد.

ویژگی های آموزش زبان فارسی در جمهوری بلاروس

در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان همواره عوامل گوناگونی دخیل است که وزن همه آنها همواره و در همه شرایط یکسان نیست و مدرّس ناچار به انتخاب شیوه ها و راهکارهایی است که برای بیشتر زبان آموزان یک کلاس مفید باشد. برخی از این عوامل عبارتند از:

- ویژگی های فردی زبان آموز، مانند: سن، ضریب هوشی، استعداد، پشتکار و درون گرا یا برون گرا بودن؛

- اشتراک فرهنگی زبان آموز با فرهنگ ایرانی؛

- سابقه حضور زبان فارسی در کشور مورد نظر؛

- هدف آموزش؛

- نوع درس فارسی (با توجه به اختیاری یا اجباری بودن درس)؛

- ویژگی های محیط و امکانات آموزشی و کمک آموزشی.

در کشور بلاروس آموزش زبان فارسی در چهار دانشگاه جریان دارد: دانشگاه زبان‌های خارجی (ИНЯЗ)، دانشگاه دولتی بلاروس (БГУ)، دانشگاه علوم اقتصادی (БГЕУ) و دانشگاه دولتی تربیت معلم (БГПУ).

افتتاح مرکز آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی در این چهار دانشگاه، به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۰۹، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بوده است؛ هرچند از ۲۰۰۹ آموزش فارسی در برخی از این دانشگاه‌ها به شکل غیررسمی جریان داشته است.

وضعیت آموزش زبان فارسی در همه این چهار دانشگاه مانند هم نیست. در این میان، فعال‌ترین مرکز آموزش فارسی در دانشگاه دولتی بلاروس است؛ زیرا در بخش شرق‌شناسی آن، رشته تحصیلی ایران‌شناسی در مقطع کارشناسی دایر است و دومین گروه از این دانشجویان در سال دوم تحصیلی هستند. این گروه بنابر ماهیت برنامه‌های درسی که حاوی واحدهای بسیاری از دروس فارسی است و در هر ترم تحصیلی دست‌کم ده ساعت از دروس مختلف فارسی بهره می‌برند، اغلب از دانش فارسی نسبتاً مطلوبی بهره‌مندند و تسلط آنها به فارسی، بیش از دانشجویان سه دانشگاه دیگر است. لازم است سفارت جمهوری اسلامی با ارتباط بیش از پیش با این دانشگاه، زمینه تشویق و دلگرمی دانشجویان و زمینه جذب دانشجویان بیشتر را فراهم سازد.

دو دانشگاه دیگر به نام‌های «دانشگاه دولتی زبان‌شناسی» و «دانشگاه علوم اقتصادی» از نظر ارائه درس فارسی وضعیتی مانند هم دارند؛ بدین معنا که در هر دو، زبان فارسی تنها به عنوان یک تک‌درس بی‌اولویت، غیررسمی و کاملاً اختیاری ارائه می‌شود که دانشجویان از سر کنجکاوی یا به دلایل شخصی در این کلاس شرکت می‌کنند. تعداد جلسات درس فارسی برای این دانشجویان، هفته‌ای دو جلسه در طول ترم تحصیلی ۱۶ هفته‌ای است که هر جلسه در ۸۰ دقیقه برگزار می‌شود.

وضعیت دانشگاه چهارم نیز با سه دانشگاه دیگر متفاوت است. در این دانشگاه، تنها زبان‌آموزان آزادی در کلاس شرکت می‌کنند که یا در گذشته دانشجو بوده‌اند یا اصلاً دانشجو نبوده‌اند. در این‌جا زبان فارسی به عنوان یک تک‌درس برای زبان‌آموزانی در سنین ۲۵ تا ۶۰ سال ارائه می‌شود که هیچ همگونی میان سن، پیشینه مطالعاتی، انگیزه و استعداد آنها وجود ندارد. به

سبب همین ناهمگونی میان زبان آموزان، بیشتر آنها پیشرفت چشم گیری ندارند.

از آنچه بیان شد، می توان نتیجه گرفت که آموزش زبان فارسی در کشوری چون جمهوری بلاروس، هنوز در جایگاهی نیست که شایسته زبان کلاسیکی چون فارسی باشد که تنها زبان هایی چون عربی، یونانی و لاتین با آن قابل قیاس هستند.

به طور کلی، فعالیت های مدرّس در سطح ابتدایی که یک ترم به طول می انجامد، شامل موارد ذیل است:

الف) آموزش تدریجی تلفظ صداها و فارسی و تطبیق هر صدا با حرف یا حروف مرتبط با آن؛

ب) نشان دادن هر صدا با استفاده از کلمات مناسب؛

پ) آموزش شیوه نوشتن حروف فارسی؛

ت) به کارگیری حروف آموخته شده در کلمه های ساده (در صورت جدیت زبان آموز، در مدت چهار هفته، بر صداها و حروف فارسی مسلط خواهد شد)؛

ث) معرفی تدریجی و غیرمستقیم الگوهای ساخت جمله فارسی، با استفاده از واژه های ساده و متداول آموخته شده از سوی زبان آموز؛

ج) نظارت بر انجام تمرین های کافی خارج از کلاس و بررسی آنها در کلاس و تصحیح اشتباهات احتمالی. (این مرحله، نخستین نقطه عطف در آموزش فارسی به مبتدیان است؛ زیرا در این مرحله، راه زبان آموزانی که با انجام تمرینات لازم به کلاس می آیند و آنهایی که بدون آمادگی شرکت می کنند، جدا می شود. البته از شرکت گروهی که بدون آمادگی به کلاس می آیند، جلوگیری نمی شود؛ اما امیدی به پیشرفت آنها نخواهیم داشت. (نگارنده در دو سال گذشته، ده ها زبان آموز ناموفق از این دست را دیده است)؛

چ) ترغیب زبان آموز به ساخت جمله های ساده و ابداعی؛ چه کتبی چه شفاهی و آشنا ساختن وی با متن های کوتاه و ساده فارسی از سه جنبه: خواندن، درک مطلب و تولید جمله ها. از این مرحله به بعد، زبان آموز با اندکی تلاش و دقت، قادر به خواندن، درک و تولید حدود هشتاد درصد از کلمات و جملات جدید است؛

ح) آموزش تدریجی عناصر ساده و مبنایی دستوری، مانند: نشانه های زمان فعل، شخص / عدد و ملکیت در بافت متون بسیار ساده آموزشی و نظارت دقیق بر انجام پیوسته تمرینات؛

ح) کاهش تدریجی اتکا به زبان واسطه، از حدود هفته دهم به بعد؛

خ) استفاده از دیسک‌های فشرده ساده فارسی؛ چه در کلاس و چه در خارج از کلاس، برای تقویت مهارت شنیداری و سپس تولید جمله‌های مشابه؛

د) از این مرحله به بعد، مدرّس طی آموزش، به دو جنبه بسیار مهم یعنی تقابل فارسی گفتاری و نوشتاری و آشنا ساختن زبان‌آموز با عناصر فرهنگی می‌پردازد. با وجود دانشجویان مستعد و پرکار، و تسلط اولیه و مقدماتی بر مهارت‌های چهارگانه، مدرّس از ترم دوم کار به‌مراتب ساده‌تری در پیش خواهد داشت؛

ذ) از این مرحله به بعد، در هر جلسه آموزش، هر چهار مهارت به میزان متعادل مد نظر قرار خواهد بود؛ هرچند سهم شنیدار و گفتار بیشتر است. (در صورت شرکت پیوسته زبان‌آموز در کلاس و شرکت فعال در تمرینات کلاسی و انجام تمرینات خارج از کلاس، سرعت کسب مهارت‌های چهارگانه به شکل شگفت‌انگیزی افزایش خواهد یافت).

در صورت همراهی کامل زبان‌آموز با مدرّس با تلاش، شرکت پیوسته در کلاس و انجام کامل تمرینات محوله در نیم‌سال ابتدایی، کار با زبان‌آموز از نیم‌سال دوم به روال بسیار مطلوب و امیدوارکننده‌ای خواهد رسید و تکلم، درک و تولید زبان فارسی برای زبان‌آموز لذت‌بخش خواهد شد. اما این مهم در عمل، بنابر دلایلی که در زیر خواهد آمد، تنها برای ده تا بیست درصد زبان‌آموزان فعلی محقق می‌گردد و در صورت رفع مشکلات، امید است به بالای ۶۰ تا ۷۰ درصد برسد.

مشکلات کرسی زبان فارسی در بلاروس

یکی از عوامل پیشرفت مطلوب و مداوم در هر فعالیت علمی، نظارت، ارزیابی و آسیب‌شناسی پیوسته فعالیت‌های مربوط به آن فعالیت است. نگارنده به عنوان مدرّس اعزامی وزارت علوم به جمهوری بلاروس وظیفه خود می‌داند که با نگاهی نقادانه، به وضعیت فعلی آموزش زبان فارسی به دانشجویان بلاروسی، به آسیب‌شناسی این کرسی، با هدف ترمیم ضعف‌ها و مشکلات آن بپردازد. این‌گونه ارزیابی‌ها بی‌شک مورد استقبال و عنایت دفتر گسترش زبان و ادبیات فارسی در

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری واقع خواهد شد. مهم‌ترین مشکلات کرسی زبان فارسی در بلاروس به شرح ذیل است:

الف) جای خالی درس فارسی در دست‌کم یکی از برنامه‌های درسی دروه‌های تحصیلی دانشگاهی در بلاروس. از زمان برگزاری نخستین جلسه آموزش فارسی تاکنون، علی‌رغم اصرار مدرسان فارسی مبنی بر گنجاندن درس فارسی به عنوان درسی اجباری یا دست‌کم اختیاری در برنامه‌های درسی، به جز دانشگاه دولتی بلاروس، در دیگر دانشگاه‌ها این کار انجام نگرفته است. ضرورت تحقق این امر آن‌گاه آشکار می‌شود که بدانیم دانشجویانی هستند که بارها آمادگی خود را برای گرفتن واحدهای درسی زبان فارسی اعلام کرده‌اند؛ اما چون نمرات این درس در کارنامه درسی ثبت و درج نمی‌شود، به‌ناچار از آن منصرف شده‌اند؛ زیرا سنگینی دیگر دروس اصلی دانشجویان به اندازه‌ای است که دیگر فرصتی برای شرکت در کلاسی که نه واحد درسی شمرده می‌شود و نه رسمیتی دارد، باقی نمی‌گذارد. از سوی دیگر، آن دسته از دانشجویانی هم که داوطلبانه و با انگیزه شخصی در کلاس‌های فارسی شرکت می‌کنند، در میانه ترم تحصیلی، با توجه به فشار روزافزون دروس اصلی، دیگر موفق به شرکت منظم در کلاس نمی‌شوند و فرصت انجام تکالیف درس فارسی را نیز نخواهند داشت و در نتیجه، زحمات فراوان استاد نیز ثمری نخواهد داشت.

مشکل عمده دیگر این است که به محض نیاز به تغییر در برنامه‌های درسی در طول ترم تحصیلی و ضرورت حذف یکی از کلاس‌ها، اولین و راحت‌ترین گزینه، حذف فارسی است؛ چنان‌که در این دو سال، بارها رخ داده است و بسیاری از دانشجویان، از ادامه شرکت در کلاس ناتوان شده‌اند. این گونه تغییرات برای دانشگاه هیچ اهمیتی نداشته است؛ از این‌رو کلاسی که با هفده نفر آغاز شده بود، تا پایان ترم به تدریج به دو یا سه نفر رسیده است. این امر در حالی رخ می‌دهد که همه گونه تدابیر مثبت و زمینه‌های جذب دانشجو، چه از جهت منابع درسی، روش تدریس، پویایی کلاس، درک و احترام متقابل و امثال آن از سوی مدرّس اندیشیده شده و دانشجو هیچ‌گاه موفق نبودن برای شرکت در کلاس فارسی را کاستی در هیچ‌کدام از موارد گفته‌شده ندانسته است. بدیهی است درسی که نه در کارنامه دانشجو ثبت می‌شود و نه دانشجو الزامی

قانونی به شرکت پیوسته در آن دارد، اهمیتی نیز نخواهد شد. از این رو به نظر می‌رسد، تا زمانی که درس فارسی به عنوان یکی از زبان‌های دوم در یکی از دوره‌های دانشگاهی گنجانده نشود، مسائلی از این دست باقی خواهد ماند و امید چندانی به توفیق چشمگیر مدرّس و ارتقای آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های بلاروس نخواهد بود.

ب) نگرانی زبان‌آموزان از نبود چشم‌انداز و آینده‌ای روشن در فراگیری زبان فارسی. داشتن برنامه مدوّن، تعریف اهداف، راهکارهای رسیدن به اهداف، شناخت و معرفی ابزار رسیدن به اهداف، استفاده از ابزار انسانی باتجربه، دلسوز و کارآمد از نیازهای بنیادین در هر فعالیت علمی و پژوهشی است. به نظر می‌رسد که بی‌توجهی به برخی از این نکات باعث شده است تا مدرّسان و حتی متولیان آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان توان ایجاد انگیزه‌های لازم در فراگیران زبان فارسی را نداشته باشند. در جلسه‌ای که با حضور حدود یکصد دانشجو از دانشگاه علوم اقتصادی بلاروس برگزار شد، مهم‌ترین پرسش شرکت‌کنندگان این بود که «چشم‌انداز فراگیری زبان فارسی چیست؟» به بیان روشن‌تر: جمهوری اسلامی ایران چه عوامل انگیزشی و تشویقی برای فراگیری فارسی توسط ما خارجیان ایجاد می‌کند؟ این که تنها گفته شود: فارسی، زبان ادب، حاوی فاخرترین ادبیات جهان و زبان دوم جهان اسلام است، انگیزه لازم و کافی را در دانشجویان خارجی ناآشنا به زبان فارسی ایجاد نخواهد کرد. تدوین چشم‌اندازی شفاف و عملی برای فراگیران فارسی، از عوامل بسیار مؤثر در تشویق و ایجاد انگیزه در آنهاست. توجه کافی به این نکات، زمینه تربیت مدرّسان بومی برای آموزش زبان فارسی را فراهم خواهد کرد که از کارآیی بالایی نیز بهره‌مند خواهند بود.

پ) حمایت اندک بخش فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی از آموزش فارسی در بلاروس. هنگامی که در یک فعالیت خارج از کشور، نام جمهوری اسلامی مطرح است، اگر اختلاف نظری هم میان دو یا چند وزارتخانه در داخل کشور وجود داشته باشد، نباید به هیچ وجه فعالیت خارج از کشور را مختل کند. به بیان دیگر همدلی و همکاری، از عوامل جدی موفقیت هر کرسی زبان فارسی در خارج از کشور است. لذا انتظار به‌جای مدرّس از سفارت و بویژه بخش فرهنگی آن، حمایت همه‌جانبه از کرسی زبان فارسی است که متأسفانه این حمایت اکنون بسیار اندک

است. از مهم‌ترین رسالت‌های بخش فرهنگی هر سفارت، آگاهی از نقش خود در تقویت کرسی زبان فارسی است. اهمیت ندادن به این امر (به هر دلیل)، احتمال موفقیت مدرّس را به شدت کاهش می‌دهد. اهمیت این رسالت آن‌گاه روشن‌تر می‌شود که بدانیم بنابر پروتکل‌های موجود، مدرّس اختیار مذاکره مستقیم درباره امور اجرایی مربوط به کرسی را با مقامات دانشگاه ندارد و این امور، تنها با اقدام سفارت انجام می‌گیرد و رسمیت خواهد داشت.

ث) استقبال صوری و خالی از عمل مدیران و برنامه‌ریزان درسی دانشگاه‌های بلاروس مبنی بر رسمیت بخشیدن به آموزش فارسی در دانشگاه‌های این کشور. مسئولان رده‌بالای دانشگاه‌ها چندین بار در جلسات گوناگون با اعضای سفارت جمهوری اسلامی ایران در بلاروس، به طور شفاهی و غیررسمی قول‌های مساعد برای تبدیل درس فارسی از یک تک‌درس به درسی در حد زبان دوم و گنجاندن آن در برنامه درسی یکی از دوره‌های تحصیلی داده‌اند؛ اما این وعده‌ها هیچ‌گاه تحقق نیافته است. حتی گاهی نه‌تنها کمکی از سوی اساتید برای رسیدن به این اهداف نمی‌شود، بلکه کارشکنی‌هایی هم صورت می‌پذیرد. بنابر شواهد قطعی، به جز دانشگاه دولتی بلاروس، در دیگر دانشگاه‌ها هیچ عزمی برای بهبود وضعیت آموزش زبان فارسی وجود ندارد و بود و نبود مرکز آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی در دانشگاه‌ها برای آنها یکسان است. البته پی‌گیری نکردن سفارت علی‌رغم گزارش‌های چندباره مدرّس نیز مزید بر علت است. در غیر این صورت، مسئولان سفارت جمهوری اسلامی در بلاروس، با جدیت خود شاید بتوانند این مشکلات را حل کنند.

ث) آشفتگی شدید دانشگاه‌های بلاروس در اعلام برنامه‌ها و ساعات ارائه درس فارسی در برنامه‌های هفتگی. بسیاری از زبان‌آموزان فارسی، پس از چند هفته شرکت در کلاس، ناگهان از ادامه شرکت در کلاس عذرخواهی می‌کنند و علت را تغییر ناگهانی در برنامه‌های هفتگی دیگر دروس از سوی دانشکده اعلام می‌کنند؛ به گونه‌ای که در میان ترم تحصیلی، ناگهان در ساعت برگزاری درس فارسی، درس دیگری را ارائه می‌کنند. این موارد از استثنا فراتر رفته و تبدیل به یک معضل شده است که کارآمدی کلاس‌های فارسی را به طور جدی تهدید می‌کند. تجربه تدریس این‌جانب در بلاروس نشان می‌دهد که سر و سامان بخشیدن به وضعیت آموزش زبان فارسی، از

دغدغه‌های سفارت جمهوری اسلامی در بلاروس نیست و مشغله‌های ظاهراً مهم‌تر، چنان سفارت را به خود مشغول داشته که دیگر فرصتی برای عنایت به امور کرسی آموزش فارسی باقی نمی‌گذارد.

ج) نامشخص بودن وظایف و تعهدات دوطرفه میان مدرّس و بخش فرهنگی سفارت. هرگاه شرح وظایف مدرّس در قبال بخش فرهنگی و کمک‌هایی که این بخش می‌تواند برای کرسی زبان فارسی انجام دهد، روشن شود، فرآیند زبان‌آموزی بسیار روان‌تر و راحت‌تر تحقق خواهد یافت. به نظر می‌رسد که اقدام بخش فرهنگی سفارت در گزینش مدرّس و برگزاری کلاس‌های آزاد در دانشگاه دولتی تربیت معلم، بدون نظرخواهی از مدرّس اعزامی وزارت علوم، امر مطلوبی نباشد.

راهکارهای غلبه بر مشکلات آموزش زبان فارسی در جمهوری بلاروس

آنچه در ذیل می‌آید، نکاتی است که هر کدام به سهم خود، در حل بخشی از مشکلات آموزش زبان فارسی در کشور بلاروس نقش خواهد داشت. البته بعضی از راه‌حل‌ها تنها مخصوص این کشور نیست و شاید در کشورهای دیگر نیز مصداق داشته باشد:

۱. هنگامی که مسئولان و مدیران داخل کشور به این نتیجه رسیده‌اند که گسترش زبان و ادب فارسی در کشورهای دیگر، ضرورتی انکارناپذیر است و کرسی‌های آموزش فارسی و ایران‌شناسی در خارج از کشور باید تقویت و حمایت شود و در راه رسیدن به این هدف، متحمل هزینه‌های فراوانی می‌شوند، نخستین و ضروری‌ترین اقدام، ایجاد هماهنگی، همدلی و یکصدایی میان دستگاه‌های مربوط است. شواهد موجود حاکی از ناهماهنگی میان وزارت امور خارجه، وزارت ارشاد اسلامی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. هنگامی که هماهنگی و توافقات لازم به طور شفاف میان این سه وزارتخانه صورت پذیرفته و شرح وظایف و اختیارات هرکدام در قبال کرسی روشن نیست، مدرّس اعزامی سرگردان می‌شود. برای مثال آن‌گاه که نماینده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سفارتخانه، تنها به تشخیص خود و به شکل جزیره‌ای عمل می‌کند و هیچ احساس مسئولیتی نسبت به مدرّس اعزامی ندارد، انجام وظیفه دشوار خواهد بود.

بی‌تردید یکی از ارکان تقویت کرسی‌های زبان فارسی، بخش فرهنگی هر سفارت است که حمایت و همکاری این بخش، از عوامل موفقیت خود آن بخش نیز خواهد بود. بنابراین پیش از اعزام هر مدرّس به محل خدمت در خارج از کشور، لازم است هماهنگی‌های لازم میان وزارتخانه‌ها درباره حدود وظایف و اختیارات هر کدام از نیروهای اعزامی مشخص شود تا هرکس تکلیف خود را بداند.

۲. اکنون زبان‌های ترکی، عربی، چینی، آلمانی و برخی زبان‌های دیگر به عنوان زبان دوم در دوره‌های درسی رسمی دانشگاه‌های بلاروس گنجانده شده و دانشجویان با برگزیدن هر یک از این زبان‌ها موظف به رعایت تمام قوانین آموزشی است تا بتواند درس را با موفقیت بگذراند. با این شرایط باید گفت که موقعیت و جایگاه آن زبان‌ها به مراتب مطلوب‌تر از وضع زبان فارسی است. گشودن گره این مشکل در دست سفارت جمهوری اسلامی است. آنها باید با پی‌گیری‌های مستمر، تکلیف کرسی زبان فارسی در بلاروس را یکسره کنند و درس فارسی مانند دیگر زبان‌های خارجی در آن دانشگاه‌ها رسمیت بیابد یا تعطیل شود؛ چون ادامه کار و سرمایه‌گذاری به شکل کنونی، به صلاح و در شأن زبان بزرگی چون فارسی نیست.

۳. بدیهی است که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دیگر نهادهایی که متولی و پی‌گیر گسترش زبان فارسی هستند، باید هر چه سریع‌تر با دریافت اطلاعات کافی از کرسی‌های مختلف در هر کشور و پس از تحلیل و جمع‌بندی آنها، به تدوین سند چشم‌انداز آموزش فارسی در کشورهای دیگر اقدام کنند. از جمله مواردی که باید در این سند شفاف و روشن بیان شود، عبارتند از: بیان اهداف آموزش زبان فارسی، آینده فراگیران زبان فارسی، انتظاراتی که جمهوری اسلامی از تربیت زبان‌آموزان دارد و توقعاتی که آنها می‌توانند از جمهوری اسلامی داشته باشند. یکی از شروطی که برای ایجاد کرسی زبان فارسی در هر کشور باید در سند گنجانده شود، پذیرش درس فارسی به عنوان زبان دوم در دوره‌های درسی کارشناسی و کارشناسی ارشد است. البته این شرط در کشورهایی مصداق خواهد داشت که دوره‌های کارشناسی یا کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات فارسی دایر نیست.

۴. در امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری علمی میان جمهوری اسلامی و دیگر کشورها، از جمله تفاهم‌نامه‌های ایجاد کرسی زبان فارسی باید تمام جوانب کار با جزئیات دیده شود تا با مشکلاتی که در جمهوری بلاروس با آنها روبه‌رو هستیم، دچار نشویم. تجربه این‌جانب از دو بار اعزام به عنوان مدرّس زبان فارسی این است که ایجاد کرسی‌های تک‌درسی، آن هم بدون گنج‌انده شدن درس فارسی در دوره‌های رسمی دانشگاه هدف، بازده و کارآمدی چندانی نخواهد داشت و ارزش فرستادن استاد را ندارد؛ زیرا دانشجو در این‌گونه کلاس‌ها هیچ تعهد قانونی‌ای ندارد که پیوسته در کلاس شرکت کند و شاید برخی از سر کنجکاوی یا سرگرمی در کلاس حاضر شوند که در این صورت، تضمینی برای موفقیت وجود نخواهد داشت.

۵. بنابر مقررات، مدرّس اعزامی موظف است که هر سه ماه، یک گزارش از فعالیت خود به وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری تقدیم کند که این کاری بسیار شایسته است. اما بخش دوم کار که دادن بازخورد از سوی وزارتخانه به مدرّس است، باید با جدیت انجام گیرد و صرف اعلام دریافت گزارش از سوی وزارتخانه کفایت نمی‌کند؛ زیرا لازم است مدرّس از نقاط ضعف و قوت خود آگاه شود. دادن بازخورد به مدرّس بر اساس گزارش‌ها، کمک زیادی به وی خواهد کرد تا با رفع نواقص و پافشاری بر نقاط قوت، بازده کاری خود را افزایش دهد. این اقدام یقیناً موجب تقویت کرسی خواهد بود. حتی اگر برپایه گزارش‌های مدرّس، وزارتخانه توقف یا تعطیلی یک کرسی را صلاح دانست، تردیدی در اقدام نداشته باشد.

۶. گاهی ممکن است حمایت از کرسی‌های زبان فارسی در خارج از کشور دستخوش نگاه‌های سلیقه‌ای و گاه سیاسی قرار گیرد؛ درحالی‌که این نوع نگرش‌ها نتیجه‌ای جز تضعیف کرسی را در پی نخواهد داشت. اگر گاهی در شرایطی خاص، یک کرسی نیاز به پشتیبانی و حمایت از سوی سفارت دارد، این حمایت باید صورت گیرد. در حال حاضر، سفارت جمهوری اسلامی در بلاروس باید برای رفع مشکلات کرسی زبان

فارسی اقدامی جدی انجام دهد تا مدرّس با دلگرمی هر چه بیشتر به کار خود ادامه دهد.

۷. در نهایت، لازم است که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در اولین فرصت، یک بازنگری اساسی در کرسی‌های آموزش زبان فارسی در سراسر دنیا از جمله بلاروس داشته باشد و پس از ارزیابی و کشف ضعف‌ها و معایب موجود، برای هر کرسی اقدام مناسب را صورت دهد. شاید تعطیل کردن برخی از کرسی‌ها کاری منطقی و به صلاح باشد؛ در حالی که برخی دیگر به تقویت و کمک بیشتری نیاز داشته باشند. در همین زمینه، تعریف شاخص‌هایی دقیق برای ارزیابی هر کرسی، ضروری است تا تصمیم‌های آینده، منطقی و واقع‌بینانه باشد. تصمیم‌های آگاهانه و منطبق با واقع از دوباره کاری‌های احتمالی بعدی جلوگیری خواهد کرد.

راهکارهای گفته‌شده در بالا در باب دانشجویان دانشگاه «ب گ او» که دروس فارسی آنها بنابر اقتضای رشته درسی، دست کم سه برابر دانشجویان سه دانشگاه دیگر است، بسیار سریع‌تر به نتیجه رسیده است؛ بویژه که در این جا دانشجوی دروس اجباری فارسی دارد و موظف به انجام تمام وظایف است. تعامل و کارآیی سه نفر از پنج دانشجوی این دانشگاه که در حال به پایان بردن سال دوم تحصیلی هستند، بسیار راضی‌کننده و امیدبخش است؛ به گونه‌ای که زبان تدریس در ۹۹٪ موارد، فارسی است. این سه دانشجو در سفر یک‌ماهه دانش‌افزایی به تهران، بازده بسیار رضایت‌بخشی داشتند و در هیچ موقعیت زبانی دچار مشکل نشدند.

هرچند استعداد فردی، نقشی مهم در یادگیری سریع زبان دارد، باید گفت که مداومت و ممارست در انجام تمرینات، راهکارهای ارائه شده از سوی مدرّس را نتیجه‌بخش‌تر خواهد ساخت؛ چنان‌که در هر چهار دانشگاه (حتی دانشگاه «ب گ او» زبان‌آموزانی که به هر دلیل از حضور پیوسته در کلاس و انجام تمرینات سر‌بازمی‌زنند، پیشرفت چشم‌گیری ندارند و در دو سال گذشته، سه نفر از هشت دانشجوی روابط بین‌الملل به دلیل درس نخواندن اخراج شده‌اند.

نتیجه‌گیری

بنابر بررسی‌های بی‌واسطه این تحقیق از کرسی آموزش زبان فارسی و ایران‌شناسی در چهار دانشگاه بلاروس، نتایج زیر به دست آمده است:

شمار چشم‌گیری از دانشجویان و حتی فارغ‌التحصیلان بلاروسی به شرکت در کلاس‌های آموزش زبان فارسی علاقه دارند. این دانشجویان سه دسته‌اند:

دسته نخست، آنهایی هستند که دروس مختلف فارسی را به عنوان دروس الزامی در دوره کارشناسی برگزیده و می‌گذرانند. این دسته، از دانش فارسی بسیار خوبی بهره‌مندند و باید مورد تشویق قرار گیرند.

دسته دوم، دانشجویانی هستند که می‌خواهند فارسی را به عنوان زبان دوم خود در دوره کارشناسی برگزینند؛ اما به دلیل شمرده نشدن درس فارسی به عنوان یکی از دروس گذرانده شده در دوره تحصیلی از سوی دانشگاه، اغلب از گرفتن این درس منصرف شده و به دیگر زبان‌ها روی می‌آورند. لذا باید هرچه زودتر چاره‌ای اندیشید و از دانشگاه‌ها خواست تا درس فارسی نیز مانند بسیاری از دیگر زبان‌ها در فهرست دروس ثبت‌نامی در دوره کارشناسی قرار گیرد و دانشجو به گرفتن این درس ترغیب شود. البته در میان این دسته، اندک افرادی هستند که علی‌رغم این وضع، به دلیل علاقه بسیار به زبان فارسی، در کلاس‌های آموزش زبان فارسی به طور پیوسته شرکت می‌کنند که قابل تقدیر است.

دسته سوم، افرادی هستند که اکنون دانشجو نیستند و در گذشته دانشجو بوده‌اند؛ اما مشتاق فراگیری زبان فارسی هستند. از میان این افراد حدود ۲۰٪ پیشرفت مطلوبی نشان می‌دهند که شاید بتوان با به کار گرفتن راهکارهایی خاص، شمار آنها را افزایش داد.

پی‌نوشت

۱. البته مؤلف محترم سخن از جلد چهارمی نیز در سطح پیشرفته می‌گویند که نگارنده از چاپ احتمالی آن بیخبر است.

منابع

۱. ادریسی، مهدی (۱۳۷۷)، بررسی وضعیت آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۲. امیری خراسانی، احمد؛ مهرانگیز علی‌نژاد (۱۳۸۲)، آموزش زبان فارسی: ویژه زبان‌آموزان خارجی، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳. امیری خراسانی، احمد (۱۳۸۴)، بررسی مشکلات آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و ارائه چند راهکار، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، شماره ۱۴۹.
۴. بازارگادی، علاءالدین (۱۳۸۵)، فارسی آسان (۵ جلد)، تهران، انتشارات رهنما.
۵. بازارگادی، علاءالدین؛ احمد وحدت تربتی (۱۳۸۰)، گزیده‌ای از گفته‌ها با ترجمه و معادل آنها به انگلیسی و امثال و اصطلاحات زبان فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۶. پلاکو، کانستانتین ایوانویچ (۲۰۰۲)، خودآموز زبان فارسی، مسکو، موراوی.
۷. ثمره، یدالله (۱۳۸۴)، آموزش زبان فارسی، (۵ جلد)، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
۸. جباری، محمدجعفر (۱۳۷۷)، پژوهشی درباره پیچیدگی‌های آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان و طبقه‌بندی و ریشه‌یابی خطاهای نحوی فارسی‌آموزان، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
۹. دباغی مرند، رضا (۱۳۸۰)، روش‌های آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان: راهکارهای ایجاد و تقویت مهارت‌های زبانی، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
۱۰. رحیمیان، جلال (۱۳۸۶)، آموزش زبان فارسی در برزیل: مشکلات و راهکارها، دانشگاه اصفهان، نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، ص ۸۳-۱۰۲.
۱۱. شوشتری‌زاده، فروغ (۱۳۸۳)، گامی به سوی نگارش، تهران، انتشارات مرکز گسترش زبان فارسی.
۱۲. عظمی‌فر، (۱۳۸۲)، تأثیر استفاده از تصویر در کمک به یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۳. صفار مقدم، احمد (۱۳۹۱)، زبان فارسی (۴ جلد)، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.

۱۴. ضرغامیان، مهدی (۱۳۸۹)، دوره عمومی زبان فارسی، سطح مقدماتی، تهران، کانون زبان ایران.
۱۵. ضیاء حسینی، سید مهدی (۱۳۸۵)، روش تدریس زبان فارسی به فارسی‌آموزان خارجی، تهران، انتشارات سخن.
۱۶. ضیاء حسینی، سید مهدی (۱۳۸۱)، اصول و نظریه‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی، تهران، انتشارات سخن.
۱۷. فهیم، منصور (۱۳۸۰)، بررسی شیوه‌های جدید آموزش زبان فارسی به غیرفارسی، شیوه‌ای دیگر: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی روش‌های نوین آموزش فارسی به غیرفارسی، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی ص ۱۹۷ - ۲۱۲.
۱۸. گله‌داری، منیژه (۱۳۸۷)، درک مطلب شنیداری: ویژه زبان‌آموزان غیر ایرانی، تهران، مهر رامین.
۱۹. گله‌داری، منیژه (۱۳۸۸)، نگارش و دستور زبان فارسی: ویژه زبان‌آموزان غیرایرانی، بی‌نا.
۲۰. محرم، مژگان (۱۳۸۰)، بررسی انگیزه‌های آموزشی (یادگیری) زبان فارسی از سوی فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان، شیوه‌ای دیگر: مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی روش‌های نوین آموزش فارسی به غیرفارسی، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ص ۲۹۵ - ۳۱۶.